



سازمان ملی بهره‌وری ایران

بهره‌وری در متون دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سازمان ملی بهره‌وری ایران



عنوان: بهره‌وری در متون دینی

مؤلف: دکتر منصور خاکسار

معاونت: برنامه‌ریزی، آموزش و شبکه بهره‌وری

تاریخ تألیف: اسفند ۹۴

چکیده: بهره‌وری محصول یک دیانت خالصانه و نشأت یافته از متون دینی و وحیانی است و مولفات بهره‌وری غالباً گل‌واژه‌های قرآنی است. در فرهنگ غنی اسلام بهره‌وری تنها معیاری اقتصادی نیست، بلکه برنامه‌ریزی دقیق و درست برای بهره‌گیری مناسب از لحظه لحظه‌های عمر در عرصه‌های مختلف است. بدون تردید برای به بندکشیدن این لحظات و بهره‌وری بهینه از آن‌ها نیازمند راهکارهای مناسب هستیم. بی‌شک کاربست متون بهره‌وری موجب ارتقای بهره‌وری می‌گردد.

کلمات کلیدی: نهج البلاغه، متون دینی، بهره‌وری، فرهنگ بهره‌وری

نشانی: تهران / میدان بهارستان / خیابان دانشسرا / سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور /

ساختمان شماره ۳ / طبقه سوم / سازمان ملی بهره‌وری ایران کدپستی: ۱۱۴۹۹۴۳۴۱۴

تلفن: ۰۳-۳۳۲۷۶۵۰۱ (۰۲۱) دورنگار: ۷۷۶۴۶۲۷۱

پست الکترونیک: productivity@mporg.ir

www.nipo.gov.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بهره‌وری در متون دینی

دکتر منصور خاکسار^۱

کان امیرالمومنین علیه السلام يقول:

يَا طَالِبَ الْعِلْمِ إِنَّ الْعِلْمَ ذُو فَضَائِلَ كَثِيرَةٍ فَرَأْسُهُ التَّوَاضُعُ وَ عَيْنُهُ الْبِرَاءَةُ مِنَ الْحَسَدِ وَ أُذُنُهُ الْفَهْمُ وَ لِسَانُهُ الصِّدْقُ وَ حِفْظُهُ الْفَحْصُ وَ قَلْبُهُ حُسْنُ النَّبِيَّةِ وَ عَقْلُهُ مَعْرِفَةُ الْأَشْيَاءِ وَ الْأُمُورِ وَ يَدُهُ الرَّحْمَةُ وَ رِجْلُهُ زِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ وَ هِمَّتُهُ السَّلَامَةُ وَ حِكْمَتُهُ الْوَرَعُ وَ مُسْتَقْرَهُ النَّجَاةُ وَ قَائِدُهُ الْعَافِيَةُ وَ مَرْكَبُهُ الْوَقَاءُ وَ سِلَاحُهُ لَيْنُ الْكَلِمَةِ وَ سَيْفُهُ الرِّضَا وَ قَوْسُهُ الْمُدَارَاةُ وَ جَيْشُهُ مُحَاوَرَةُ الْعُلَمَاءِ وَ مَالُهُ الْأَدَبُ وَ ذَخِيرَتُهُ اجْتِنَابُ الذُّنُوبِ وَ زَادُهُ الْمَعْرُوفُ وَ مَاؤُهُ الْمَوَادَعَةُ وَ دَلِيلُهُ الْهُدَى وَ رَفِيقُهُ مَحَبَّةُ الْأَخْيَارِ.

امیرمومنان امام علی علیه‌السلام می‌فرمودند: ای جوینده دانایی، دانش فضائل بسیاری دارد که عبارت اند از:

تواضع، دوری از حسادت، درک و فهم درست از مسایل، راست‌گویی، تحقیق و پژوهش، حسن‌نیت، شناخت، رحمت، دیدار با خردمندان، سلامت جسم و جان، پرهیزگاری، رستگاری، عافیت‌اندیشی، وفا، نرم‌زبانی و پرهیز از تندخویی، رضامندی، مدارا، گفتگوی با خردمندان، ادب، دوری از گناه، نیک‌نامی، سازگاری، هدایت، دوستی خوبان.

«اصول کافی - شیخ کلینی - ج ۱ کتاب فضل العلم، باب النوار ح ۲»

اساسی‌ترین مؤلفه‌های تدوین برنامه‌های توسعه، مبتنی بر مبانی دینی و ارزشی است و مراد از مبانی دینی و ارزشی، پایه‌ها و قاعده‌ها و پی‌ریزی‌های برگرفته از دین است که برنامه‌ی توسعه بر آن استوار می‌شود. توجه به مبانی اخلاقی و ارزشی در برنامه‌های توسعه، یک رویکرد تازه در تئوری‌های توسعه است.

همچنین بهره‌وری رکن رکین و یکی از پایه‌های اساسی توسعه بوده و ارتقای آن موتور محرکه توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه خواهد بود. براساس آموزه‌های دینی می‌توان به ارتقای بهره‌وری دین محور نایل شد و کلیه‌ی دستگاه‌ها می‌توانند با رعایت این آموزه‌ها، بهره‌وری خود را ارتقاء دهند.

^۱ - معاون برنامه‌ریزی، آموزش و شبکه بهره‌وری

در آموزه‌های دینی، منبع شناخت متونی وحیانی است که از سوی خداوند آمده است و یا متونی است که اگر از سوی خداوند صادر نشده از سوی کسانی بیان شده است که اشتباه و خطا در آن‌ها راه ندارد و منبع شناخت آن‌ها به طور مستقیم برگرفته از شناخت شهودی و وحیانی است، بنابراین منبع ما برای ارتقای بهره‌وری براساس آموزه‌های دینی در وهله‌ی اول قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی، در بردارنده‌ی خطوط اصلی هدایت بشری برای همیشه و اصلی‌ترین و مهم‌ترین و معتبرترین منبع شناخت دین به شمار می‌آید و منبع دیگر سنت است که سخن و رفتار و تأییدات منقول از معصومین علیهم‌السلام است. این دو منبع، منابع اصلی، برای تبیین اصول بهره‌وری مبتنی بر اندیشه‌ی دینی هستند که مستمراً در جهت بهبود ارتقای بهره‌وری از آن‌ها بهره می‌گیریم.

با عنایت به اصول پیش گفته در این قدم آغازین به بیان و شرح گفتار فوق از امام علی علیه‌السلام در مورد علم می‌پردازیم. امام علی علیه‌السلام در این فراز از فرمایشات خود، اهمیت علم و فعال کردن قوه‌ی تعقل، خود یادآوری، تذکر، تلاش برای فهم دین، همگانی کردن شناخت، اهتمام به دانش‌های سودمند، اجتناب از هوس‌گرایی در آموختن دانش، منتهی کردن علم به عمل، بهره‌گیری از علم برای خودسازی را مورد توجه قرار داده است.

در آموزه‌های دینی، منظور، محدود کردن خود به آموزه‌های دینی نیست، بلکه بهره‌گیری از جدیدترین یافته‌های دانش بشری و تمدن‌های دیگر نیز مدنظر قرار گرفته است. به گونه‌ای که امکان دستیابی به همه‌ی یافته‌های دانش بشری هر چند در دیگر تمدن‌ها پدید آمده باشد. پیامبر اسلام (ص) از تجربیات «سلمان فارسی» در حفر خندق به عنوان یک مانع دفاعی و از تجربیات «صهیب رومی» برای پرتاب منجنیق بهره گرفتند و مسلمانان را به فراگیری علم، حتی اگر در چین باشد فراخواندند. بدون تردید علمی که امکان فراگیری آن در چین وجود داشت، علم توحید و علم دین نبود، بلکه دانش بشری بود. اگر مسلمانان خود را در معرض بهره‌گیری از تمدن‌های بشری ایران و روم قرار نمی‌دادند، قطعاً تمدن شکوهمند اسلامی پدید نمی‌آمد. بنابراین در ارتقای بهره‌وری باید علاوه بر آموزه‌های دینی و وحیانی، در صورت لزوم باید برای انتقال یافته‌های جدید دانش بشری به جامعه و قرار گرفتن آن‌ها در خدمت اهداف اسلامی پیش‌بینی لازم صورت پذیرد.

در حدیث شریف «کافی» و به روایت جناب ابوبصیر آمده است:

قال: سمعت ابا عبد الله يقول: كان امير المؤمنين عليه السلام يقول ان العلم ذو فضائل كثيرة:

نکته‌ی ظریف و ارزشمندی در همین آغاز کلام امام وجود دارد که شایان توجه است و آن استمرار و تکرار توصیه‌های آن حضرت در حوزه‌ی علم در جاهای مختلف است. چون از نظر دستوری آن را با فعل ماضی استمراری آغاز نموده و معنای آن چنین است که پیوسته در مواقع متعدد بنابر اهمیت موضوع آن‌را بیان می‌فرمودند و تکرار مؤید تأکید و موجب جلب توجه خوانندگان در عمل به آن و باعث ارتقای بهره‌وری خواهد شد.

علم و دانایی، برتری‌ها و مزایای بسیاری دارد، منشأ سعادت و خوشبختی جامعه و تعالی مردم و رعایت اصول اساسی زندگی فردی و اجتماعی و پرهیز از مفاسد اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی، دانایی و اساس انحطاط و بدبختی و رذایل اخلاقی و مفاسد اجتماعی و اقتصادی، جهل و نادانی است.

امام در آغاز تشکیل حکومت خود بیان فرمودند: ای مردم من بر شما و شما بر من حقی دارید. حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نرزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید. هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید. (خطبه‌ی ۳۴ نهج البلاغه)

امام در این خطبه نکات برجسته‌ای را به عنوان حق و حقوق انسانی مطرح می‌فرماید که از پیشران‌های اساسی بهره‌وری محسوب می‌شوند. سه اصل مهم خیرخواه مردم بودن و از نظر مالی به عدالت با آنان رفتار کردن و ریشه‌کن نمودن بی‌سوادی و تعلیم و تربیت عمومی، همه از مؤلفه‌های ارتقای بهره‌وری می‌باشند و همچنین حقوقی که حاکم بر گردن مردم دارد نیز همه از پیشران‌های بهره‌وری هستند، وفاداری و خیرخواهی و اطاعت چنانچه درون‌زا باشند از مقومات ارتقا بهره‌وری محسوب می‌شوند.

امام علی (ع) در بیان حقوق امت بر امام، مباحث آموزش، علم، دانایی و مبارزه با جهل و تلاش در جهت تربیت و تعلیم را که همه از مؤلفه‌های بهره‌وری‌اند، بیان فرمودند.

امروزه علم و فناوری نقش و اهمیت روزافزونی در ارتقای بهره‌وری دارد و جامعه را به سمت تعالی مبتنی بر دانش به پیش می‌برد. علم مقدمه‌ی ایمان است و بدون آن، ایمان حقیقی تحقق نمی‌یابد. خداوند نیز شرط خشیت را علم دانسته است و از این جهت می‌فرماید: **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ** (سوره فاطر آیه ۲۸)

تنها دانشمندان نسبت به خداوند خشیت دارند و خشیت نیز مولود دانایی و از نشانه‌های ایمان است.

امام علی علیه‌السلام، دانایی را به یک انسان تشبیه نموده است و هر یک از اعضای بدن انسان را با یکی از ضروریات اخلاقی همسنگ و همراه دانسته است.

فَرَأْسُهُ التَّوَّاضُعُ

سر آن فروتنی است. یکی از آفت‌های علم تکبر است.

در علم اخلاق تواضع و تکبر در مقابل هم تفسیر و تبیین می‌شوند.

تواضع و تکبر هر دو در مقابل اغیار معنی پیدا می‌کنند.

تواضع، کلاس و جایگاه خود را از دیگران پایین تر به حساب آوردن و تکبر، جایگاه خود را از دیگران بالاتر دیدن است.

از این جهت عالم متواضع هر قدم در قلوب مردم جایگاهش بالاتر می‌رود در حالیکه عالم متکبر هر لحظه از قلوب مردم دورتر و منفورتر می‌شود و لذا برای ارتقای بهره‌وری تواضع عالم، شاه کلیدی است که هر قفل زنگارزده‌ای را می‌گشاید و قدم به قدم بر یاران می‌افزاید و موجب همراهی و همگرایی و هم‌اندیشی می‌گردد؛ در حالی که تکبر ریشه‌ی بهره‌وری را می‌خشکاند. متکبر جز خود کسی را قبول ندارد و وجود او نافی وجود دیگران است و در نتیجه خودمحوری بروز می‌کند و از خرد جمعی و مشارکت بی‌بهره خواهد بود و بر همین اساس ارتقای بهره‌وری رنگ باخته و در محاق خواهد ماند و تواضع موجب بروز و ظهور همه‌ی قابلیت‌ها و توانمندی‌های فرد و افزایش مساعدت و همفکری و اشتراک مساعی و تقویت هم‌اندیشی و بهره‌گیری از خرد جمعی و موجب پیشرفت امور خواهد شد.

مدیریت مبتنی بر تکبر، تکلیف‌مداری و وظیفه‌مندی را وجهه‌ی همت خود قرار می‌دهد، در حالی که مدیریت مبتنی بر تواضع عشق و تعهد و مسؤولیت‌پذیری و ارتقای بهره‌وری را تجلی می‌بخشد.

عَيْنُهُ الْبِرَاءَةُ مِنَ الْحَسَدِ

چشم استعاری علم، دوری گزیدن از حسادت‌ورزی است.

حسادت مانع اعتلای فکری و ارتقای علمی است که جو عمومی را مسموم و بهره‌وری را به بند می‌کشد و توانمندی‌ها و قابلیت‌ها را نه تنها تضعیف نموده، بلکه نادیده می‌انگارد، زیرا حسود، روی دیدن بهتر از خود را ندارد و توان اطرافیان به ویژه دوستان خود را نشانه می‌گیرد و دوست ندارد هیچ دستی را بالاتر از دست خود ببیند و همین رذیله اخلاقی بهره‌وری را به افول می‌کشاند.

و أُذُنُهُ الْفَهْمُ

گوش علم، درک و فهم است.

قطعاً درک و فهم هر مسأله در حل آن بسیار تأثیرگذار و گره‌گشاست. زیرا به دنبال فهم مسأله است که اراده‌ای برای حل و فصل آن حاصل می‌شود و اگر مسأله درست فهمیده نشود تبدیل به مشکل و بی‌توجهی به حل مشکل موجب به وجود آمدن معضل و عدم درک و فهم به موقع و صحیح معضل، موجب خلق بحران خواهد شد.

و لِسَانُهُ الصِّدْقُ

از مهم‌ترین کمالات انسانی و شاخصه‌های والایی آدمی، صداقت است. صداقت در حقیقت، یکتایی در پندار، گفتار و کردار و یکتایی در وجود است. به عبارتی صداقت به این معنی است که انسان وجودش از راستی بهره‌مند و یکی باشد و

عاری از دوگانگی باشد یعنی دارای دو صورت و دو سیرت و دو زبان نباشد. بلکه بر همه چیز آدمی، یگانگی و یکرنگی حاکم باشد و به صورت راست پنداری، راست گفتاری و راست کرداری جلوه‌گر باشد. انسان جز به کمک صداقت از دورویی و ریا و وجودهای چندگانه رها نمی‌شود و به خود حقیقی‌اش دست نمی‌یابد.

هر قدر انسان از صداقت بیشتری بهره‌مند شود از کمال انسانی والاتری برخوردار می‌گردد و به مقام شایسته‌ی خود نزدیک‌تر می‌شود.

آنکه بنای زندگی را بر پایه‌ی صداقت می‌نهد، به محکم‌ترین بنیان‌های ایمان پناه برده و به کلیدی‌ترین عامل برای نجات و رستگاری و کرامت دست یافته است. با فرو ریختن حریم صداقت و راستی در آدمی، تمام ارزش‌های انسانی فرد فرو می‌ریزد و هیچ امر اخلاقی باقی نمی‌ماند، چون صداقت پایه همه‌ی ارزش‌ها و جانمایه‌ی دین و مبنای اخلاق است و عمل عاری از صداقت، هر چه باشد و هر ظاهر و عنوانی که داشته باشد، عملی بی‌جان و بی‌روح است. امام علی(ع) صداقت را برای دین و دینداری چون سر برای تن خوانده و بی‌گمان تن بدون سر مرده است و راه وصول انسان به بهشت زیبایی‌ها و بهره‌مندی از روضه‌ی رضوان الهی، صداقت است. اگر صداقت نهادینه شود، هر کس در جایگاهی قرار می‌گیرد که اهلیت آن را دارد و چنانچه کاری به فرد صادقی ارجاع شود که توانمندی انجام آن را نداشته باشد، صادقانه ناتوانی خویش را اعلام و حد و حدود قابلیت و توانمندی خود را ابراز می‌دارد و این نهایت آفرینش زمینه‌های ارتقای بهره‌وری است.

پیامبر رحمت چه زیبا فرمودند:

علیکم بالصدق فانه یهدی الی الجنة

لازم است اهل صداقت باشید زیرا این خصیصه انسان را به بهشت هدایت می‌نماید.

صداقت امانت الهی در بین بندگان خدا است

و حِفْظُهُ الْفَحْصُ

حفظ و نگهداری علم و دانایی منوط بر تحقیق و پژوهش است.

پژوهش ما را روزآمد کرده و روزآمدی جامعه یکی از موجبات اساسی ارتقای بهره‌وری است. زیرا که در احادیث بسیار تأکید شده است که انسان باید فرزند زمان خویش باشد. تحقیق و پژوهش از پیشران‌های جامعه به سوی تعالی و ترقی و پیشرفت است. امروزه پژوهش نقش روزافزونی در ارتقای بهره‌وری دارد و جامعه را به پیشرفت مبتنی بر دانش به پیش می‌برد و دستیابی به علم و فناوری نیز از طریق پژوهش کاملاً میسر است. تحقیق و پژوهش هم در مقام راهبرد و هم در مقام راهکار در واقع یکی از شاخص‌های مهم ارتقای بهره‌وری بوده و تداوم آن را تضمین می‌کند و تولید علم و فن‌آوری جز با توسل به پژوهش و پیشگامی پژوهشگران کارآمد میسر نمی‌باشد و جوامعی که منابع و امکانات

بیشتری را به امر پژوهش اختصاص می‌دهند و در امور مختلف اعم از سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی از نتایج مطالعات و تحقیقات استفاده‌ی بیشتری به عمل می‌آورند از موقعیت بهتری برخوردارند. از این منظر است که امام علی (ع) بر پژوهش بسیار تأکید می‌نماید.

قَلْبُهُ حُسْنُ النَّبِيَّةِ

قلب دانایی، حسن نیت است.

در وجود ما علیرغم پیچیدگی زیادی که دارد، میزان الحراره‌ای وجود ندارد که درون افراد را بخوانیم و خوشبختانه علم به غیبت هم نداریم و شریعت نیز به ما اجازه بدگمانی نمی‌دهد و قرآن نیز ما را از برداشت بد از گفتار و کردار دیگران باز می‌دارد و بنابر آموزه‌های دینی سوء ظن، موجب هلاکت انسان است. بنابراین علاوه بر عاقبت بدی که در فردای قیامت در انتظار دارندگان سوءظن می‌باشد، برای بهتر و زیباتر زیستن راهی جز حسن ظن داشتن نداریم که خود موجب ارتقای بهره‌وری است.

چه زیبا خداوند سبحان فرمودند: ای مومنان بسیار از بدگمانی پرهیز کنید زیرا برخی از گمان‌ها گناه آلود هستند.

يا ايها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثم

حسن نیت موجب اصلاح فرد و جامعه و ظهور و بروز قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد در راستای پیشرفت امور و برنامه‌ها و بهره‌گیری از تمامی توان آحاد جامعه و ارتقا بهره‌وری خواهد بود و بی‌توجهی به آن، موجب نقصان و خسران و رکود و از همه مهمتر، حاکمیت جو بدبینی و اختلاف افکنی و تفرقه است.

و عَقْلُهُ مَعْرِفَةُ الْأَشْيَاءِ وَالْأُمُورِ

عقل و خرد انسان استعاری دانایی، شناخت داشتن به همه‌ی اشیا و امور است.

و وجه ممیزی و تفاوت انسان با سایر موجودات و صاحبان حیات، شناخت خردمندانه است و برای بهره‌گیری از مواهب الهی و بهره‌مندی از امکانات زندگی و ارتقای بهره‌وری باید نسبت به همه‌ی داده‌های خداوندی شناخت قابل توجهی داشته باشیم. بخشی از شناخت، شهودی است که خداوند در فطرت ما قرار داده و بخشی حصولی است که موجب انشاقات فراوان در جامعه‌ی بشری است و چون انسان‌ها متفاوت هستند و درجات شناخت آن‌ها نیز با یکدیگر فرق می‌کند و هر یک در مرتبه‌ای متمایز از مراتب دیگران قرار دارند، لذا قدر و منزلتشان نیز بر حسب شناختشان از امور متفاوت خواهد بود.

و يَدُهُ الرَّحْمَةُ

و دست آن (دانش) رحمت است

رحمت خداوند، گسترده و دربرگیرنده‌ی همه کس و همه چیز است و چون خداوند متعلق به همه است. گر چه هر کسی به نامی او را می‌خواند. همگان را از انس و جن، جماد و نبات، حیوان و هر آنچه هست که بودنش از اوست، مشمول رحمت واسعه‌ی خود قرار می‌دهد. رحمت موجب افزایش بهره‌وری است.

و رَجُلُهُ زِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ

یکی از ارکان مهم دانش و دانایی دیدار صاحبان علم و اندیشه است. در دیدار عالمان، انسان، بزرگی و عظمت را می‌بیند و بزرگی را پاس می‌دارد و خود نیز به بزرگی می‌رسد. زیرا دانشمندان از مظاهر اسماء و صفات حق تعالی هستند. رؤیت آن‌ها انسان را به یاد خدا می‌اندازد و آنان الگوهای تام و تمام انسانی در جهت کمال و ایصال انسان به مطلوب هستند و چه بسیار تأثیرات شگرفی که در این دیدارها بر انسان مترتب می‌شود که از هیچ کلاس درس و مدرسه و دانشگاهی به دست نیامده است.

و هِمَّتُهُ السَّلَامَةُ

و همت آن سلامت است.

دانایی سلامت زاست و عقل سالم نیز در بدن سالم است و کسی که عالمانه زندگی کند، تمامی حرکات و سکناتش از روی حساب و کتاب خواهد بود و از هرگونه اموری که سلامت جسم، جان و روح و روان را به مخاطره اندازد، پرهیز می‌کند و سلامت نیز منشأ خیلی از برکات است که متأسفانه انسان از وجود آن‌ها مادمی که در قید سلامت است غافل می‌باشد.

و حِكْمَتُهُ الْوَرَعُ

و حکمتش پرهیزگاری است.

عالمان و صاحبان علم و اندیشه که توانسته‌اند با گذر ایام و کسب تجارب و گذران عمر به ذخایر ارزشمندی از علوم و ارزش‌ها دست یابند قطعاً حدود و ثغوری دارند و با رعایت بایدها و پرهیز از نبایدها به حصار حصینی دست یافته‌اند و آن دژ مستحکم که آنان را از همه‌ی بلیات، پلیدی‌ها و پستی‌ها دور می‌دارد، ورع است و این میوه‌ی شیرین محصول دیانت و دینداری خالصانه است که خود میوه‌های شیرینی به بار می‌آورد و جامعه از آن بهره‌مند می‌گردد. پرهیزگاری از مهمترین مؤلفه‌های ارتقای بهره‌وری است. چون انسان پرهیزگار پیوسته عمل به معارف (معروف‌ها) و پرهیز از منکرات (منکرها) می‌نماید و پرهیز از نابایسته‌ها و انجام بایسته‌ها یعنی بهره‌وری.

و مُسْتَقَرُّهُ النَّجَاةُ

و قرارگاهش رستگاری است.

قطعاً عالمان و صاحبان خرد در زمره‌ی رستگاران هستند چون آنان و لحظه لحظه‌های حیات آنان موجب هدایت آحاد جامعه است.

وَقَائِدُهُ الْعَافِيَةُ

جلودار دانایی، سلامت است، چه انسان‌های خردمند زندگی و حیاتشان براساس اصول و مبانی ارزشی است و از این روی سلامت را به ارمغان آورده‌اند.

و مَرْكَبُهُ الْوَفَاءُ

و مرکب دانش وفامندی است.

چه بسیارند انسان‌هایی که با واژه‌ی وفا بیگانه‌اند در حالی که درد امروز جامعه‌ی ما بی‌وفایی است و ای کاش بی‌وفایی باشد غالباً اهل جفا شده‌اند، ولی عالمان در زمره وفاداران‌اند و چه زیباتر عالمان دینی زمانی که از استادان پیشین خود یاد می‌کنند با عزت و عظمت و وفا از آنان ذکرخیر می‌نمایند. مرحوم استاد مطهری روزی در جایی سخنرانی می‌کردند تقریباً در دهه پنجاه و چون در آن زمان اسم امام خمینی بر زبان جاری کردن ممنوع و مستوجب کیفر و عقوبت بود، به این شکل در لابلای کلام خود از عبارت «آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست» یاد کردند و همه محرمات متوجه شدند که مراد از این جمله، استاد و مرادش امام خمینی است که بر نامحرمان مستور و بر محرمات مشهود بود و امام علی علیه‌السلام بسیار تأکید داشتند که می‌بایست در گزینش مدیران در کنار سایر اصول دو اصل صداقت و وفاداری نیز ملاک باشد. الصق باهل الصدق و الوفاء (به افراد اهل صداقت و وفا پیوند)

و سِلَاحُهُ لِيْنُ الْكَلِمَةِ

و اسلحه عالم نرم‌زبانی و پرهیز از درشت‌خویی است. زیرا که کلام نورانی خداوند در قرآن نیز (قولوا للناس حسناً) اشاره به این دارد که با مردم به خوبی و نرمی سخن بگویید و درشتی، خامی و نرمی، پختگی انسان را به نمایش می‌گذارد و نرم‌زبانی موجب بروز قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و بهره‌گیری از آن و ارتقای بهره‌وری است.

سَيِّئَةُ الرِّضَا

شمشیر عالم رضامندی است و رضا یکی از مقامات عارفان است و راضی به رضای حق تعالی بودن، انسان را از خیلی مهملکات و سردرگمی‌ها نجات بخشیده و انسان را به بهره‌وری در زندگی و ارتقای آن سوق می‌دهد.

و قَوْسُهُ الْمُدَارَاةُ

کمان عالم مدارا است

مدارا به معنی با نرمی و ملایمت توأم با حسن خلق و گذشت رفتار کردن است که در فلسفه سیاسی جدید از آن با تعبیری چون تساهل و تسامح به کار می‌رود. صفت مدارا اغلب از انسان‌هایی سرمی‌زند که قدرت بر ترک مدارا یا اعمال قدرت یا گاه خشونت را هم دارند، اما به الزام اخلاق و مهر انسانی برخود مهار می‌زنند و مهربانی می‌ورزند و مهرآمیز رفتار می‌کنند.

مدارا شأن انسانی قوی و در موضع قوت و قدرت است و اگر فرد ضعیفی یا فردی که فعلاً در موضع ضعف و ناتوانی است، نرمش و ملایمت نشان دهد، آن واکنش را نمی‌توان مدارا نامید، زیرا چاره‌ای جز آن ندارد. دشمنی نمودن با مدارا نشانه‌ی ضعف و سستی در استدلال و برهان است و مدارا نشانه‌ی توانایی است که جان مایه‌ی آن اطمینان به خود و جهان است، خشم و خشونت در همه انسان‌ها کم و بیش وجود دارد و اگر خویشتن‌داری نباشد، جهان انسانی به سطح حیوانی سقوط خواهد کرد. پس مدارا هم الزام اخلاقی و هم مصلحت فردی و اجتماعی است به همان‌گونه که ابراز خشم و خشونت، خشم و خشونت بیشتری به بار می‌آورد، اظهار مدارا به گسترش این سجایای اخلاقی می‌انجامد و در نهایت زندگی را زیستنی‌تر می‌سازد. آنگاه خورشید بهره‌وری بیش از پیش طلوع می‌کند و موجب تعامل و تحول می‌گردد.

در همه‌ی متون مقدس دینی اعم از وحیانی، حکمی، اخلاقی و عرفانی، مدارا محترم شمرده شده است، به ویژه دنیای پر از خشونت و درگیری امروز به شدت نیازمند مدارا و صلح و گفتگو و تعامل و مفاهمه است.

مدارا، تحمل و صبر و شکیبایی در برابر حوادث و اتفاقاتی است که پاسخ و عکس‌العمل خاص فرد را می‌طلبد و از ویژگی‌هایی است که در جاها و مناسبت‌های مختلف مورد نظر اهل‌البیت علیهم‌السلام بوده‌است.

مدارا و شکیبایی نشانه‌ی خردمندی است و قدرت و توانمندی رأی و اندیشه است. مدارا و تحمل اندیشه‌ی دیگران، نشانه‌ی بزرگی و اقتدار و موجب پایداری و دوام حکومت و نظام سیاسی می‌گردد و برعکس، خشونت، نشانه‌ی بی‌خردی و بی‌تدبیری است که نتیجه‌ای جز دشمنی و دشمن‌تراشی و افزایش نارضایتی ندارد.

وَ جَيْشُهُ مُحَاوَرَةُ الْعُلَمَاءِ

لشکر دانش، گفتگوی با عالمان و دانشمندان است و انسان خردمند در ارتباط با خردمندان، از ذخایر علم و اندیشه‌ی صاحبان اندیشه بهره‌مند می‌شود و موجبات هم‌افزایی و تکاثر علمی را پدید می‌آورد و قطعاً یکی از راه‌های ارتقای بهره‌وری تعامل با خردمندان و متفکران و اجرایی نمودن افکار و اندیشه‌ی آنان است.

وَ مَالُهُ الْأَدَبُ

و ثروت عالم، ادب است و ادب سرمایه‌ای است که پیوسته رو به تزاید و افزونی است و نقصان در آن راه ندارد. البته عالمان ربانی غالباً مؤدب به آداب الهی و متخلق به اخلاق خداوند هستند و ما نیز چون بهره‌مند از آبشخور آنان هستیم باید چنین باشیم.

و دَخِيرَتُهُ اجْتِنَابُ الذُّنُوبِ

و پس انداز عالم، پرهیز از گناهان است

چه هر گناهی انسان را جهت ارتکاب گناهی دیگر جسارت می‌بخشد و چنانچه گناه تعمیم یابد، قباحتش را از دست می‌دهد و از این منظر باید از ورود در اولین گناه جلوگیری نمود تا جرأت و جسارت ورود در دومین گناه را پیدا نکند. گناه بهره‌وری را می‌سوزاند و آن را ریشه‌کن می‌نماید.

و زَادَهُ الْمَعْرُوفُ

و توشه عالم خوبی‌هاست و بهره‌وری نیز پیوستن به خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌هاست و چنانچه انسان بتواند خود را به زینت خوبی‌ها بیاراید و از پوشیدن کسوت زشتی‌ها اجتناب نماید، به قله رفیع بهره‌وری دست یازدیده‌است.

و مَاؤُهُ الْمَوَادَعَةُ

و آب شرب عالم، سازگاری است. بنابر روایتی از پیامبر اسلام (ص): سازگاری با مردم نیمی از عقل است. در مسیر سازگاری گاه بهترین راه سکوت و گاه مهربانی در برابر نامهربانی و گاه توصیه و گاه تذکر و گاه نصیحت و خیرخواهی و گاهی نیز محکم ایستادن و کوتاه نیامدن است.

در بررسی و حل و فصل مشکلات اطرافیان، گاه، عالمانه و با فروتنی خود را به جای آنان گذاشتن، امروز را ندیدن و آینده‌نگر بودن در همه عرصه‌های زندگی، تعافل و چشم‌پوشی از برخی عیوب آن‌ها از جمله راه‌کارهای سازگاری با امعان نظر به احادیث و روایات است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند اگر می‌خواهی بدی و کارناپسند از بین برود در گام اول آن را نادیده بگیر تا پرده‌های حیا دریده نشود، شاید آن فرد از مرکب شیطان پیاده شده و اصلاح گردد.

پیامبران و اوصیای الهی چنین بودند، چنانچه عیسی را در کسی می‌دیدند، آن عیب را به دیده‌ی خویش نسبت می‌دادند، نه به آن شخص، چنانکه از حضرت عیسی مسیح علیه‌السلام نقل کرده‌اند که روزی مردی را دید که دزدی می‌کرد، گفت ای مرد! دزدی می‌کنی؟ مرد گفت نه به خدا! حضرت عیسی فرمود تو راست می‌گویی، چشم من دروغ می‌گوید: صدقت و کذبت عینی

اگر کردار، رفتار و گفتار بزرگان راستین دین و عالمان ربّانی در سازگاری با مردم الگوی ما بشود، همه در وادی اصلاح خواهیم نشست و کژی‌ها، کاستی‌ها، پلیدی‌ها و پلشتی‌ها زدوده می‌شوند و جامعه گلستان می‌گردد و یکی از راه‌های ارتقای بهره‌وری همین است.

و دَلِيلُهُ الْهُدَى

رهبر عالم و دانایی هدایت است و مظهر هدایت خداوند است که در هر بام و شام خاضعانه از درگاهش هدایت خود را به راه راست طلب می کنیم و قرآن نیز کتاب هدایت است و پیامبران و امامان و اولیاءالله همه مظاهر هدایت بشر در سفر انسان از عالم ناسوت به عالم لاهوت هستند.

وَرَقِيبُهُ مَحَبَّةُ الْأَخْيَارِ

دوست و رفیق عالم، دوستی با خوبان است.

عالمان چونان گل‌های باغ بهشت هستند و موجب طراوت و حلاوت و پیشرفت و تعالی جامعه‌اند. پیوسته حسن نظر و محبت به خوبان دارند و گرایش به نیکان موجب جذب و هدایت بدان به خوبان و توسعه‌ی گستره خوبی می‌شود. و در نهایت باید پذیرفت که دانش امتیازات فراوانی دارد که همه از موجبات و مقومات ارتقای بهره‌وری هستند.

دانشوران ملی بهره‌وری ایران